

جرمانگاری در حقوق فعالیت‌های اقتصادی

مجتبی جعفری^۱

چکیده

رونق اقتصادی و رفع موانع پیشرفت و اقتدار هر کشوری در گرو حمایت از فعالیت‌های اقتصادی صحیح و مولد است که بدون آن ممکن است سایر پیشرفت‌ها تحت‌الشعاع ضعف‌های اقتصادی قرار گرفته، جایگاه سیاسی و اجتماعی یک دولت در دنیای امروز متزلزل گردد. طبیعتاً یکی از عوامل بسیار مهم در پیشرفت اقتصادی جلب سرمایه‌های تجار و سرمایه‌گذاران برای حمایت از تولید و صنعت و اشتغال‌زایی است. در واقع، هرچه میزان سرمایه‌گذاری در کشور بیشتر باشد، به همان نسبت میزان تولید و اشتغال و پیشرفت صنعتی و علمی نیز بیشتر خواهد بود. با وجود این، افزایش سرمایه‌گذاری خود در گرو جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و حمایت بی‌دریغ از آنان در برابر آسیب‌های احتمالی است تا بدین‌سان انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در میان تجار و فعالان اقتصادی داخل و خارج کشور افزایش یافته، امیدها برای رشد اقتصادی کشور فزونی یابد. بدیهی است، این امر مهم نیازمند اتخاذ سیاست‌های گوناگون در همه حوزه‌ها از جمله در حوزه حقوقی و قضایی است. در قلمرو حقوقی و قضایی باید ترتیبی اندیشیده شود که حقوق سرمایه‌گذاران در برابر سایر رقبا و کسانی که در پی نقض قواعد حرفه‌ای هستند محفوظ مانده، همه افرادی که وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند نسبت به تعقیب کیفری هنجارشکنان این حوزه اطمینان کافی داشته باشند. این مسئله از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی قابل تحقق است که در این مقاله به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم. روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیلی- انتقادی است که بر اساس آن ضمن مطالعه مبانی جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، سعی شده است آیین رسیدگی و مجازات مرتکبان جرائم اقتصادی نیز تحلیل و بررسی شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، اقتصاد، جرم‌انگاری، خصوصی‌سازی، فساد.

مقدمه

خصوصی‌سازی، فرایند اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا در می‌آورند (Jeandidier, 2005, p.23). در واقع، این پدیده حاکی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار به نفع بازار و وسیله‌ای برای افزایش کارایی عملیات یک بنگاه اقتصادی است، زیرا چنین به نظر می‌رسد که مکانیزم عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی باعث به کارگیری بیشتر عوامل تولید، افزایش کارایی عوامل و در نتیجه تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها و خدمات و کاهش قیمت‌ها خواهد شد.

وجود برخی نابسامانی‌ها و بی‌نظمی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی از چنان اهمیتی برخوردار است که قانون‌گذار می‌بایست برای ایجاد حس اعتماد و رقابت سالم در تمام کسانی که مایلند وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی شوند، این‌گونه نابسامانی‌ها و بی‌نظمی‌ها را که اغلب در قالب رفتارهای خلاف مقررات بروز پیدا می‌کنند به قید ضمانت اجرای کیفری منع کند. در واقع این رفتارها از نظر افکار عمومی همه مردم و جامعه سرمایه‌گذاران غیرقابل تحمل بوده و انتظار عمومی از قانون‌گذار آن است که سیاست جنایی خود در زمینه حمایت از فعالیت‌های اقتصادی را به گونه‌ای تنظیم و برقرار کند که سودجویان و کسانی که به حقوق دیگران تعرض می‌کنند، نتوانند به راحتی به فعالیت‌های نامشروع خود ادامه دهند.

به عبارت دیگر، خواسته سرمایه‌گذاران بالقوه در این خصوص آن است که نظام کیفری در قالب یک سیاست جنایی مبتنی بر عدالت و مساوات، اولاً برخی رفتارها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی را جرم‌انگاری کند^۱. در این زمینه نظام کیفری می‌بایست هم‌زمان نظم اخلاقی، نظم حقوقی و نظم اقتصادی را مورد توجه قرار دهد. دوم اینکه آیین تعقیب و

۱. بدیهی است حمایت از سرمایه‌گذار مستلزم استفاده از ابزارهای کیفری برای تعقیب مجرمان این قلمرو است؛ در حالی که حمایت از سرمایه‌گذاری مستلزم استفاده نکردن از ابزارهای کیفری در موارد کم‌اهمیت می‌باشد. از این رو، جرم‌انگاری و جرم‌زدایی دو روی یک سکه هستند که در کنار هم می‌توانند به توسعه و پیشرفت اقتصادی کمک کنند. موضوع این مقاله فقط به مطالعه جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی مربوط می‌شود. برای مطالعه موضوع جرم‌زدایی در این قلمرو، ر.ک.

- مجتبی جعفری، کیفرزدایی از جرایم کسب و کار، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۵

رسیدگی و مجازات رفتارهای مجرمانه را به‌گونه‌ای طراحی نماید که ضمن اینکه مجرمان به مجازات قانونی عمل خود می‌رسند، حتی‌الامکان افکار عمومی در جریان نتیجه‌پیشگیری‌های دستگاه قضایی قرار بگیرند تا از این طریق هم از ارتکاب جرم پیشگیری شود و هم جامعه نسبت به برقراری عدالت امیدوار گردد. بنابراین، مقاله حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست (شماره ۱) به مطالعه مبانی جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی پرداخته‌ایم تا با برخی از مهم‌ترین دلایل لزوم اتخاذ یک سیاست جنایی سرکوبگر در قبال فعالیت‌های مخرب اقتصادی آشنا شویم. در بخش دوم (شماره ۲) با تمرکز بر حقوق کیفری ایران، سعی کرده‌ایم جلوه‌های عملی اتخاذ چنین سیاستی را در چارچوب مقررات مربوط به آیین رسیدگی و مجازات مرتکبان جرائم و تخلفات اقتصادی بررسی کنیم.

۱. مبانی جرم‌انگاری در حقوق فعالیت‌های اقتصادی

هرچند کیفرزدایی^۱ از فعالیت‌های اقتصادی با هدف ایجاد انگیزه و تشویق سرمایه‌گذاران بالقوه برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور بسیار مفید و سودمند می‌باشد، این امر نباید با چشم‌پوشی از برخی الزامات که حقوق کیفری ناگزیر از رعایت آنهاست صورت گیرد. در واقع، گاه اهمیت و بزرگی این الزامات به حدی است که به هیچ‌عنوان نمی‌توان از آنها چشم‌پوشید. با این همه، قانون‌گذار در تعیین این الزامات خودسرانه عمل نمی‌کند، بلکه همواره به توصیه‌های اخلاق، حقوق و اقتصاد در این خصوص توجه دارد. در ادامه مطالب به مبانی جرم‌انگاری^۲ در عرصه فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازیم.

۱.۱. جرم‌انگاری در پرتو نظم اخلاقی

اخلاق که همچنان یکی از مبانی حقوق کیفری است، همواره در سیاست‌های کلی این رشته نقش خود را ایفا می‌کند. در واقع، حقوق کیفری به اخلاق وابسته است، اما این وابستگی هیچ‌گاه به معنی آن نیست که می‌توان در کوچک‌ترین مسائل حقوق کیفری نیز رد پای از اخلاق مشاهده کرد (هارت، ۱۳۸۸، ص ۲۱ به بعد). آنچه مسلم است اینکه حقوق

۱. Dépenalisation

۲. Criminalisation

کیفری برخی از رفتارهای غیراخلاقی را که از نظر جامعه مستلزم نکوهش است، جرم‌انگاری می‌کند. اما هیچ‌گاه متعرض رفتارهای دیگر که در عین برخورداری از وصف «غیراخلاقی» نتوانسته‌اند نکوهش جدی جامعه را نیز نسبت به خود جلب نمایند، نمی‌شود. همچنین نمی‌توان گفت هر عملی که حقوق کیفری اقدام به جرم‌انگاری آن می‌کند، یک عمل غیراخلاقی است^۱. زیرا گاه به رفتارهایی بر می‌خوریم که در عین «مجرمانه» بودن، اخلاق نسبت به آنها بی‌تفاوت است (هارت، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

بنابراین، اگر عمل غیراخلاقی از نظر افکار عمومی جامعه نیز قابل نکوهش باشد، حقوق کیفری چاره‌ای جز جرم‌انگاری آن عمل ندارد. بر این اساس رفتارهای مبتنی بر فریب و نیرنگ و جعل و تقلب که اخلاق را خدشه دار می‌کنند و احساسات عمومی را بر می‌انگیزند، بدون هیچ چشم‌پوشی باید مجازات شوند. چنان‌که قانون‌گذار ایران در موارد مختلف این‌گونه رفتارها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی را جرم و قابل مجازات دانسته است. در اینجا برخی از این موارد را بررسی خواهیم کرد.

۱.۱.۱. جرم‌انگاری کلاهبرداری در فعالیت‌های اقتصادی

کلاهبرداری که با استفاده از فریب و نیرنگ تحقق می‌یابد همواره از سوی قانون‌گذاران مختلف به‌عنوان جرم در نظر گرفته شده است^۲. منطق قانون‌گذار در این جرم‌انگاری حمایت از روابط مبتنی بر حسن‌نیت بوده است و این «حسن‌نیت» در فعالیت‌های اقتصادی نیز ضروری است. به‌طور کلی هیچ شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی حق ندارد برای کسب منفعت اقتصادی خود دیگران را فریب دهد. این رفتار به‌خصوص زمانی که دامنه فعالیت گسترده است، از سوی افکار عمومی نکوهش می‌شود. لذا قانون‌گذار کلاهبرداری یا رفتارهای مشابه آن را در فعالیت‌های اقتصادی جرم دانسته است. چنان‌که ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر کس با سوءنیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار

۱. چنان‌که برای مثال، امروزه رفتارهای علیه کرامت انسانی جرم انگاشته می‌شوند؛ بدون اینکه این جرم‌انگاری لزوماً مبنای اخلاقی داشته باشد. در این خصوص، ر.ک.

- سعید قماش، کرامت انسانی مقتضی گسترش جرم‌انگاری، زمستان ۱۳۹۰، ص ۷۸۲ به بعد.
۲. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ش

شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اعلامیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوءنیت جهت تهیه اعلامیه یا اعلامیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هر گاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.^۱

افزون بر این، بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار نیز که به جرم‌انگاری اقداماتی که نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات می‌گردند پرداخته و هر گونه فریب و بیرنگ در بازار سرمایه را که با هدف سودجویی عده‌ای از سرمایه‌گذاران به زیان سرمایه‌گذاران دیگر صورت می‌گیرد، منع کرده است. مفاد این بند متضمن یک جرم‌انگاری جدید در حقوق کیفری اقتصادی ایران است که اصطلاحاً «دستکاری بازار»^۱ نامیده می‌شود. منظور از دستکاری بازار، هر نوع عمل آگاهانه برای تشویق دیگران به خرید سهام یا تغییر قیمت به صورت ساختگی است (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۹۷). در واقع، این اقدام که شکلی از توسل به مانورهای متقلبانه برای بردن مال دیگران می‌باشد، از طریق دخالت تعمدی در عملکرد آزادانه عرضه و تقاضا در بورس اوراق بهادار تحقق می‌یابد و نتیجه آن کنترل قیمت اوراق بهادار از سوی مرتکب یا مرتکبان است.

۲.۱.۱. جرم‌انگاری تبانی در فعالیت‌های اقتصادی

یکی دیگر از رفتارهای مبتنی بر فریب و بیرنگ تبانی است. برخی از حقوق‌دانان تبانی را به معنای توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم دانسته‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۷). به نظر می‌رسد این دیدگاه قابل قبول نیست، زیرا تحقق تبانی حتماً مستلزم آن نیست که موضوع تبانی ارتکاب یک جرم باشد. چنان‌که قابل تصور است که دو نفر با هم تبانی کرده باشند که از انعقاد قراردادی به زیان شخص ثالث خودداری نمایند. ضمن اینکه ظاهراً این دسته از حقوق‌دانان در تعریف پیش‌گفته فقط بر امکان تبانی بین دو شخص

۱. Market manipulation

حقیقی نظر داشته‌اند و حال آنکه تبانی بین دو یا چند شخص حقوقی نیز دور از ذهن نیست. با این حال، تبانی به معنای هر نوع توافق بین دو یا چند شخص برای آسیب رساندن به دیگری (دیگران) است. این آسیب می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. آسیب غیرمستقیم شامل جلوگیری از سود بردن دیگری است. قانون‌گذار برای تنظیم روابط اقتصادی و جلوگیری از زیرپا گذاشته شدن عدالت و مساوات در این عرصه، گاه اقداماتی را که متضمن تبانی باشند، جرم‌انگاری کرده است. در این زمینه می‌توان به ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۵ مهر ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که می‌گوید: «هرگونه تبانی و تحمیل شرایط از سوی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات که موجب کاهش عرضه یا پایین آمدن کیفیت یا افزایش قیمت شود جرم محسوب می‌شود». در این ماده، قانون‌گذار برای حمایت از مصرف‌کنندگان، تبانی بین عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را به شرط آنکه کاهش عرضه یا کیفیت محصول یا افزایش قیمت آن را در پی داشته باشد، جرم دانسته است.

البته باید گفت این جرم‌انگاری ناقص است، زیرا به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، جرم عبارت است از هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد. بنابراین، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم «مجازات» است که بدون آن اصولاً جرمی وجود ندارد. در ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز قانون‌گذار صرفاً تبانی بین عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را تحت شرایطی جرم دانسته است؛ بدون اینکه مجازاتی را برای این فعل در نظر بگیرد. ممکن است در پاسخ گفته شود که ماده ۱۹ قانون یادشده، در واقع به پیش‌بینی مجازات این عمل پرداخته است، لذا ایراد پیش‌گفته وارد نیست. در پاسخ به این ادعا باید گفت، نخست اینکه ماده ۱۹ ورود خسارت به مصرف‌کننده را شرط اعمال مجازات دانسته است و دوم، این خسارت حتماً باید در اثر مصرف آن کالا یا خدمات به مصرف‌کننده وارد آمده باشد. بنابراین با توجه به اینکه ماده ۸ پیش‌گفته به‌طور کلی هر گونه تبانی بین عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را که باعث کاهش عرضه یا پایین آمدن کیفیت محصول یا افزایش قیمت شود، جرم دانسته است و نظر به اینکه شرط تحقق جرم به هیچ‌وجه ورود خسارت به مصرف‌کننده نیست، باید بگوییم که تمامی رفتارهای

ممنوعه پیش‌بینی شده در ماده ۸ با مجازات روبرو نشده‌اند و لذا جرم به معنای حقوقی نیستند.

یکی دیگر از مواردی که قانون‌گذار تبانی را در فعالیت‌های اقتصادی منع کرده است، ماده ۴۴ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است که در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این ماده، هر گونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی یا عملی) بین اشخاصی که یکی از آثار یادشده در قانون را به دنبال داشته و باعث اخلال در رقابت گردد، ممنوع می‌باشد. همان‌طور که از صدر ماده بر می‌آید، قانون‌گذار برای ایجاد فضای رقابت سالم بین شرکت‌ها، هر گونه تبانی بین برخی از آنها را که باعث شود رقابت بین دیگر شرکت‌ها مختل گردد، منع کرده است. مبنای این ممنوعیت اخلاق حاکم بر بازار است که به موجب آن هیچ تاجری حق ندارد به گونه‌ای رفتار کند که تجار دیگر نتوانند با او رقابت کنند و در تولید، خرید یا فروش کالا و خدمات، مجبور به تن دادن به شروط و شرایط آن تاجر باشند.

با این همه، جرم‌انگاری همواره مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی نیست، بلکه آموزه‌های دیگر نیز می‌توانند بر اندیشه قانون‌گذار تأثیر گذاشته، او را نسبت به جرم‌انگاری رفتارهای خاص متقاعد کنند. یکی از این آموزه‌ها، آموزه‌های حقوقی است که بر اساس آن برخی رفتارها باید جرم‌انگاری شوند؛ حتی اگر اخلاق در خصوص آنها نظری نداشته باشد. از این رو، نظم حقوقی (اعم از داخلی یا بین‌المللی) اقتضا دارد، مشروعیت برخی اقدامات در عرصه فعالیت‌های اقتصادی از آنها سلب شود.

۲,۱. جرم‌انگاری در پرتو نظم حقوقی

قانون‌گذار نمی‌تواند بی‌توجه به توصیه‌های حقوقی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی وجود دارد مبادرت به جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی کند. در واقع، این توصیه‌ها حاکم بر هر گونه

تصمیمی است که قانون‌گذار می‌خواهد در قالب سیاست جنایی به شکل قانون در آورد.^۱ بنابراین، برخی از رفتارهای خاص به‌ویژه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی همواره باید به‌عنوان جرم شناخته شوند و نمی‌توان به بهانه جرم‌زدایی یا کیفرزدایی از اهداف کلی کنوانسیون‌های بین‌المللی فاصله گرفت. به عبارت دیگر، هر قدر که سیاست‌های جنایی یک قانون‌گذار متمایل به کیفرزدایی و کاستن از مجازات‌های سنگین باشد، وجود قواعد و اصول حقوقی عرصه عمل را در این خصوص برای او محدود می‌کند (Coulon, 2008, p.21). یک قانون‌گذار پیش از هر چیز باید به کنوانسیون‌های بین‌المللی که الحاق کشورش به آنها را پذیرفته و به تصویب رسانده است، احترام بگذارد و هر سیاستی که برای مقابله با مجرمان در پیش می‌گیرد، در محور سیاست‌های کلی مندرج در آن کنوانسیون باشد.^۲ افزون بر این، قانون اساسی یک کشور نیز می‌تواند به قانون‌گذار در جرم‌انگاری برخی رفتارها رهنمود ارائه دهد.

۱،۲،۱. نظم حقوقی بین‌المللی

اقدامات قانون‌گذار در قالب سیاست جنایی، گاه متأثر از الزامات حقوقی است که اصولاً فراملی هستند. در واقع، عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی که کشورهای عضو را ملزم به مجازات کیفری برخی رفتارها به دلیل مصالح همگان می‌کند، الزاماتی را برای کشور عضو به همراه دارد. هدف آن است که یک عرصه عادلانه برای فعالیت‌های اقتصادی کشورهای مختلف عضو کنوانسیون به وجود آید. در این زمینه تاکنون کنوانسیون‌های متعددی به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است که اینک به بررسی برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

الف) کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در شهر مریدای

۱. به شرط الحاق کشور به آن کنوانسیون.

۲. البته دو مورد را باید بر این قاعده کلی استثنا کرد: حق شرط در معاهدات بین‌المللی، و حکومت قوانین داخلی مؤخر نسبت به عهدنامه‌های بین‌المللی مقدم؛ در صورتی که طرفین دعوی هر دو از تبعه داخلی باشند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک.

- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ۱۳۹۰ش

- ربکا والاس، حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۲ش

مکزیک به تصویب رسید و از این رو با عنوان «کنوانسیون مریدا» شناخته می‌شود. با توجه به جرایم کلانی که طی آن سال‌ها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در غرب از سوی اشخاص و شرکت‌های بزرگ به وقوع می‌پیوست و در این میان حقوق اشخاص و شرکت‌های دیگر تضییع می‌شد و رکورد اقتصادی کشورها را نیز در پی داشت، سازمان ملل متحد تصمیم گرفت با تصویب یک کنوانسیون، قانون‌گذاران کشورهای را که به این کنوانسیون ملحق می‌شوند به هماهنگ کردن سیاست جنایی خود با بایسته‌های عرصه فعالیت‌های اقتصادی در سطح دنیا ملزم نماید؛ به گونه‌ای که کشورهای عضو لااقل در داخل مجموعه خود نگران سوءاستفاده‌ها و تخلفاتی که در این عرصه صورت می‌گیرد، نباشند.^۱ در این کنوانسیون الزامات اساسی برای پیشگیری از وقوع جرایم یا مبارزه با آنها پیش‌بینی شده است: پیشگیری از طریق تصویب مقرراتی راجع به نحوه نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد شفافیت لازم در این عرصه و همین‌طور حساس کردن افکار عمومی جامعه نسبت به پدیده فساد^۲؛ و مبارزه از راه جرم‌نگاری رفتارهای خاص در عرصه فعالیت‌های اقتصادی^۳. در واقع، کشورهای عضو ملزم می‌شوند به برخی از اعمالی که در این عرصه انجام می‌شود، وصف «جرم کیفری» بدهند.

به این ترتیب، کنوانسیون مریدا امکان مجازات مؤثر و قطعی فساد را در این کشورها خواستار است. چنان‌که مواد ۲۱ و ۲۲ از آن تأکید کرده است که کشورهای عضو باید با اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی تمامی اقدامات مخلف فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی را در صورتی که عمداً انجام شده باشد، جرم کیفری تلقی نمایند. این اقدامات از جمله شامل ارتشا و اختلاس در بخش خصوصی و تطهیر عواید ناشی از جرم می‌باشد که با توجه به تأثیر جدی که در فساد بخش خصوصی و تضییع حقوق سرمایه‌گذاران در این بخش و طبیعتاً رکود اقتصادی کشورها دارد، همواره می‌باید به‌عنوان اقدامات مجرمانه با ضمانت اجرای کیفری تلقی گردند.^۴ به این ترتیب، نقش کنوانسیون مریدا در تدوین سیاست

۱. جمهوری اسلامی ایران به‌موجب قانون ۲۱ خرداد ۱۳۸۵ مصوب مجلس شورای اسلامی به این کنوانسیون ملحق شده است.

۲. فصل دوم کنوانسیون از ماده ۵ به بعد.

۳. فصل سوم کنوانسیون از ماده ۱۵ به بعد.

۴. ر.ک. علی حسین نجفی ابرندآبادی، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، مرداد ۱۳۹۰، ص ۲۳۱۷ به بعد.

جنایی داخلی کشورهای عضو از جمله ایران، برای برخورد با ناهنجاری‌های عرصه فعالیت‌های اقتصادی به‌خوبی قابل تشخیص است.

ب) کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی

کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالرمو که در سال ۲۰۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، با هدف ارتقای همکاری برای پیشگیری و مبارزه مؤثرتر با جرائم سازمان یافته فراملی، الزاماتی را برای دولت‌های عضو به‌وجود آورده که به‌ویژه شامل جرم‌انگاری فساد مالی و پول‌شویی است. برای مثال، ماده ۶ این کنوانسیون دولت‌های عضو را ملزم کرده است که چنانچه اعمال یادشده در این ماده به‌طور عمدی صورت گیرد، خاطی را با عنوان «مرتکب جرم» تحت تعقیب قرار دهند. به عبارت دیگر، این کنوانسیون قانون‌گذاران کشورهای عضو را ملزم به جرم‌انگاری عمل تطهیر عواید ناشی از جرم نموده است. همچنین ماده ۸ با همان شرایط، دولت‌های عضو را به جرم‌انگاری فساد مالی در تمام ابعادش توصیه کرده است.^۱ البته هم کنوانسیون پالرمو و هم کنوانسیون مریدا بر این نکته تأکید کرده‌اند که الزامات یادشده می‌توانند بر پایه اصول حقوقی داخلی کشورهای عضو صورت گیرند؛ به این معنا که کشورهای عضو در نحوه جرم‌انگاری و کیفرگذاری برای این جرائم طبق قوانین خود عمل می‌کنند و همین که اقدام به جرم‌انگاری کنند، کنوانسیون را به‌اجرا درآورده‌اند (Coulon, 2008, p.23).

افزون براین، کنوانسیون پالرمو کشورهای عضو را همچنین ملزم به تصویب قوانینی در خصوص مسئولیت اشخاص حقوقی در ارتکاب جرائم پیش‌گفته کرده است. به‌موجب بند ۲ ماده ۱۰ این کنوانسیون، بسته به اصول حقوقی دولت عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد. با این همه، نظم حقوقی بین‌المللی تنها مبنای حقوقی جرم‌انگاری برخی از رفتارها در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی نیست. در مواردی نظم حقوقی داخلی نیز اقتضا دارد که به جرم‌انگاری این‌گونه اعمال بپردازیم.

۱. همان، ص ۲۳۰۹ به بعد

۲,۲,۱. نظم حقوقی داخلی

مهم‌ترین منبع نظم حقوقی داخلی قانون اساسی است که در حقیقت اصول استوار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و... را بیان می‌دارد و قانون‌گذار در وضع قوانین عادی ناگزیر باید این اصول را رعایت کند. بنابراین قانون اساسی هیچ‌گاه متعرض جرم‌انگاری یا پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص نمی‌شود، بلکه دولت و قانون‌گذار را ملزم می‌سازد که در تصمیمات خود اصولی را رعایت کنند. از جمله می‌توان به اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که می‌گوید: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، یا حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود...: ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام...». این بند اصل ۴۳ بیانگر این حقیقت است که قانون‌گذار داخلی باید با وضع قوانینی هر گونه فعالیت اقتصادی را که متضمن اضرار به غیر، انحصار احتکار و یا ربا باشد، منع کند.

دقیقاً به همین دلیل است که قانون‌گذار ایران در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم‌انگاری نموده، با تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حمایت از «رقابت» و منع انحصار پرداخت. آخرین الزامی که قانون‌گذاران به هنگام تدوین سیاست جنایی خود در برخورد با فعالیت‌های اقتصادی باید رعایت کنند، الزامات اقتصادی است. این الزامات گاه قانون‌گذار را به جرم‌انگاری در عرصه این گونه فعالیت‌ها سوق می‌دهند.

۳,۱. جرم‌انگاری در پرتو نظم اقتصادی

نظم اقتصادی همانند نظم اخلاقی و نظم حقوقی به کلیه قواعدی گفته می‌شود که مدیریت فعالیت‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن آن ممکن نیست. به عبارت دیگر، هر تصمیمی که قانون‌گذار برای سامان دادن به عرصه اقتصاد و مبادلات اقتصادی اتخاذ می‌کند، می‌بایست با رعایت برخی الزامات که منحصرأ به حوزه اقتصاد مربوط می‌شوند، صورت گیرد. برای مثال، شرکت‌های تجاری برای ادامه فعالیت خود نیاز به امنیت حقوقی

دارند تا به این وسیله معاملات آنها در بازار تضمین گردد. این امنیت حقوقی مستلزم قوانین روشن، صریح، در دسترس، قابل پیش‌بینی و عادلانه‌ای است که به‌ویژه باید از جانب مکانیزم‌های کیفری از اجرای آنها اطمینان حاصل کرد. نقش حقوق کیفری در اینجا می‌تواند حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک در مقابل رقبای خیلی بزرگ آنها باشد. به‌علاوه، باید از وجود یک رقابت قانونی بین شرکت‌ها اطمینان حاصل کرد تا از تبعیض و برتری دادن به برخی شرکت‌ها و معامله‌گران در مقابل دیگران جلوگیری به‌عمل آید. واضح است که حقوق کیفری در این زمینه می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند و با قواعد شفاف و مشخص خود وظیفه نظارتی و احیاناً سرکوبگر خود را به نحو احسن انجام دهد.

۲.۵. آیین رسیدگی و مجازات در حقوق فعالیت‌های اقتصادی

حمایت کیفری یک قانون‌گذار از خصوصی‌سازی و فعالیت‌های اقتصادی، افزون بر جرم‌انگاری رفتارهای خاص و محل نظم اقتصادی، حقوقی و اخلاقی، از طریق پیش‌بینی شیوه‌های تعقیب، رسیدگی و مجازات این جرائم نیز صورت می‌گیرد. در این خصوص می‌توان به تصویب دو قانون مهم به فاصله دو سال از هم از سوی قانون‌گذار ایران اشاره کرد که مطالب این گفتار را به بررسی این دو قانون اختصاص می‌دهیم:

۲.۵.۱. قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی

بازار اوراق بهادار مهم‌ترین جلوه خصوصی‌سازی و فعالیت‌های اقتصادی در قالب شرکت‌های غیردولتی است که در آن اشخاص به فعالیت و رقابت با یکدیگر می‌پردازند و از رهگذر آن رونق اقتصادی در جامعه به‌وجود آمده، پیشرفت و توسعه در سایه اعتماد و عدالت حاصل می‌شود. با این همه، متأسفانه با وجود تأسیس بورس اوراق بهادار در ایران که با تصویب قانون تأسیس بورس اوراق بهادار در اردیبهشت ۱۳۴۵ صورت گرفت، قانون‌گذار به اهمیت موضوع خصوصی‌سازی و حمایت از فعالیت‌های شرکت‌های غیردولتی پی نبرده بود و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۴۴ اقتصاد ایران را متشکل از سه پایه خصوصی، دولتی و تعاونی دانسته است، در عمل آنچه دیده می‌شد، اقتصاد دولتی و تا حدودی تعاونی بود که خود حاکی از مهجور ماندن مسئله

بورس اوراق بهادار و خصوصی‌سازی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب می‌باشد. از این رو، با جدی شدن این مسئله در سال‌های اخیر قانون‌گذار تصمیم گرفت این بار با انگیزه اقدام مفید در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ضمن بازنگری در قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ش، ابزارهای جدیدی برای حمایت از خصوصی‌سازی به کار گیرد و در همین راستا قانون بازار اوراق بهادار ایران را در اول آذر ۱۳۸۴ به تصویب برساند تا به نحو نظام‌مند از حقوق سرمایه‌گذاران در عرصه اقتصادی کشور حمایت کرده، ترتیبی به وجود آورد که بتوان ضمن نظارت بر بازار اوراق بهادار، آن را به‌طور شفاف و سازماندهی‌شده، توسعه داد.

در این قانون، قانون‌گذار با تکیه بر دو اصل شفافیت و حسن نیت، ابتدا خواسته است عرصه معاملات در بورس اوراق بهادار از هر گونه تخلف و نقض مقررات لازم‌الاجرا مصون بماند. از این رو، رفتارهایی از قبیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی، دستکاری بازار، جعل و خیانت در امانت و خودداری از ارائه اطلاعات مهم به سازمان بورس و اوراق بهادار را به‌عنوان رفتارهای مجرمانه اعلام کرده است. اما با توجه به اینکه ارتکاب برخی از این جرائم با توسل به مانورهای ممکن است که کشف آن جز به کمک کارشناسان و آشنایان به بازار اوراق بهادار تقریباً محال است، قانون‌گذار در همین قانون اقدام به تأسیس نهاد سازمان بورس و اوراق بهادار نموده و به‌موجب ماده ۵۲، این سازمان را مکلف کرده است که مستندات و مدارک مربوط به جرائم یادشده را گردآوری و به مراجع قضایی ذی‌صلاح اعلام نماید تا حسب مورد موضوع را به‌عنوان «شاکی» پیگیری کنند.

درواقع، قانون‌گذار با تصویب این ماده به چند صورت خواسته است از خصوصی‌سازی و حقوق سرمایه‌گذاران حمایت کیفری کند: اول اینکه نهادی را تأسیس کرد که جرائم بازار اوراق بهادار را کشف و موضوع را به‌عنوان شاکی پیگیری کند. همین اقدام قانون‌گذار برای این بوده است که هیچ تخلفی در بازار اوراق بهادار بدون تعقیب و مجازات نماند. به عبارت دیگر، قانون‌گذار به دنبال آن است که در مقابل هر کنشی در این بازار واکنشی کیفری داشته باشد و این ایده با تأسیس نهادی - با توجه به تخصص‌هایی که دارد - که می‌تواند تخلفات را کشف و به دادسرا اعلام نماید، به‌خوبی پیاده می‌شود. دوم اینکه سازمان بورس و اوراق

بهادار را «مکلف» به پیگیری و جمع‌آوری ادله و شکایت از مرتکبان جرائم بورس نموده است. این تکلیف به این معناست که دستگاه قضایی ملزم نیست برای رسیدگی به این‌گونه جرائم منتظر طرح شکایت از سوی زیان‌دیدگان باشد؛ زیرا چه‌بسا هیچ‌یک از سرمایه‌گذاران و سهام‌داران که اغلب اشخاص حقیقی ناآشنا به پیچ و خم بازار سرمایه هستند، از وقوع جرم مطلع نشوند. در این شرایط سازمان بورس باید به جمع‌آوری ادله و مدارک مثبت و وقوع جرم اقدام نموده، در مراجع قضایی طرح شکایت نماید.

بنابراین مشاهده می‌کنیم که قانون‌گذار شرایط تعقیب و مجازات جرائم بورس را سهل‌تر کرده است تا هیچ اقدام خلاف مقررات در این حوزه بی‌پاسخ نماند. درواقع، هدف قانون‌گذار در این تصمیم، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و سهام‌داران از طریق ابزارهای کیفری بوده است. البته، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، کلیت این سیاست قابل دفاع است، زیرا مبتنی بر اصول اخلاقی، حقوقی و اقتصادی است. اما در مواردی به‌نظر می‌رسد پیروی از اندیشه کیفرزدایی مؤثرتر باشد، چراکه برای جرم‌انگاری برخی رفتارها مثل معامله‌دارنده اطلاعات نهانی با استفاده از این اطلاعات هیچ‌گونه مبنای اخلاقی، حقوقی یا اقتصادی نمی‌توان در نظر گرفت.

۲،۲. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

یکی دیگر از اقدامات جدی قانون‌گذار ایران در راستای خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۸۶ می‌باشد. در این قانون، قانون‌گذار سعی کرده است اقتصاد ایران را در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به تفکیک مشخص، حوزه‌های هر یک را دقیقاً معین کند؛ از جمله اینکه بخش خصوصی را تقویت، و نهادهایی را برای مدیریت و نظارت بر امر خصوصی‌سازی تأسیس نموده است. تسهیل رقابت و منع انحصار که همواره تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف خصوصی‌سازی و حتی فعالیت‌های اقتصادی در

قالب شرکت‌های دولتی دارد، در این قانون مورد توجه قانون‌گذار بوده و با تصویب مقرراتی سعی کرده است هر گونه اعمال یا اقداماتی را که به اخلال در رقابت اقتصادی منجر می‌شود، منع نماید؛ از جمله، ماده ۴۵ این قانون اقداماتی نظیر احتکار و استتکاف از معامله، قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز، تبعیض در شرایط معامله، عرضه کالا یا خدمات غیراستاندارد، سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی برتر را ممنوع اعلام کرده است.

همچنین قانون‌گذار برای دستیابی به اهداف تسهیل رقابت و منع انحصار، به موجب ماده ۵۳، شورایی با عنوان «شورای رقابت» با ترکیب و شرایط ویژه تأسیس نموده است. وظیفه این شورا رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص رویه‌های ضدرقابتی است و قانون‌گذار برای انجام این وظیفه و همین‌طور وظایف دیگر که به موجب قانون برعهده این شورا است، اختیار بازرسی و تحقیق نیز به او داده است. به موجب بند الف ماده ۶۰، شورای رقابت اختیار دارد در اجرای وظایف و مأموریت‌های خود برای رسیدگی به دعاوی و پرونده‌های مطرح‌شده، بنگاه‌ها و شرکت‌ها را بازرسی کند و اجازه دسترسی به اماکن، انبارها و وسایل نقلیه، رایانه‌ها و تفتیش آنها و نیز جواز بازرسی از فعالیت‌های اقتصادی، اموال، رایانه‌ها، دفاتر و سایر اوراق را صادر نماید. ملاحظه می‌کنیم که قانون‌گذار به شورای رقابت به‌عنوان یک نهاد غیرقضایی، شأن قضایی داده است؛ زیرا از نظر قانون‌گذار، منع انحصار جز از راه تأسیس یک نهاد متخصص در این امر و دادن اختیارات گسترده در امر بازرسی به آن نهاد، ممکن نبوده است.

افزون بر این، شورای رقابت به موجب بند ب همین ماده، اختیار تحقیق نیز دارد. در این خصوص شورا می‌تواند متشاکمی را احضار و از وی تحقیق به عمل آورد یا شهود و اشخاص دیگر را در صورتی که ضروری تشخیص دهد، احضار و بازجویی کند (بند ۲ قسمت ب ماده ۶۰). حتی شورا اختیار دارد که مدارک و مستندات مورد نیاز خود را از مراجع مختلف دریافت نماید یا درخواست اظهار نظر به کارشناس ارائه کند (بندهای ۳ و ۴ قسمت ب ماده ۶۰). از نظر قانون‌گذار، شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضدرقابتی است و موظف است راساً و یا بر اساس شکایت هر شخص، اعم از حقیقی یا حقوقی از جمله دادستان کل یا دادستان محل، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، تنظیم‌کننده‌های

بخش‌های سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل‌های صنفی انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و دیگر سازمان‌های غیردولتی، بررسی و تحقیق در خصوص رویه‌های ضدرقابتی را آغاز کند و در چارچوب ماده ۶۱ این قانون تصمیم بگیرد.

رسیدگی در شورای رقابت شبیه شیوه‌های دادگستری است؛ با این همه، چنانچه این شورا در جریان تحقیقات و بررسی‌های خود به وقوع جرمی از جرائم موضوع قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پی ببرد، می‌تواند طبق ماده ۶۷ همین قانون به‌عنوان شاکی از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضای رسیدگی کند. به‌موجب ماده پیش‌گفته: «شورای رقابت می‌تواند در کلیه جرایم موضوع این قانون سمت شاکی داشته باشد و از دادگاه صلاحیت‌دار برای جبران خسارت وارده به منافع عمومی درخواست رسیدگی نماید». البته با تأمل در این ماده نکاتی جلب توجه می‌کند:

نکته نخست اینکه شورای رقابت در مقام دادستان ظاهر شده است، زیرا سمت «شاکی» بودن این شورا از جنس شاکی بودن سازمان بورس و اوراق بهادار نیست، بلکه این شورا از دادگاه صلاحیت‌دار می‌خواهد تا در خصوص جبران خسارت وارده به منافع عمومی اخذ تصمیم نماید. به عبارت دیگر، برخلاف سازمان بورس و اوراق بهادار که در خصوص جرائم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار به‌عنوان شاکی مجازات مجرمان را دنبال می‌نماید، شورای رقابت به‌عنوان شاکی از دادگاه صلاحیت‌دار رسیدگی برای جبران خسارت وارده به منافع عمومی را درخواست می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم درخواست رسیدگی از دادگاه صالح برای حفظ منافع عمومی، به‌موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ش) از وظایف و اختیارات دادسرا است. طبق این ماده، «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی برعهده دادستان ... است». به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار در خصوص جرائم مرتبط با رویه‌های ضدرقابتی خواسته است وظایف و اختیارات دادسرا را به شورای رقابت محول کند تا رسیدگی به این‌گونه جرائم سریع‌تر صورت گیرد. پیش‌بینی شئونی مانند تحقیق و بازرسی برای این شورا نیز دقیقاً در همین راستا بوده است.

نکته دوم که باید به آن توجه کرد، این است که شورای رقابت تکلیفی برای درخواست

رسیدگی از دادگاه صالح به‌عنوان شاکی ندارد. در واقع چنانچه دادستان عمومی و انقلاب شخصاً وقوع یک جرم از جرائم رقابتی را کشف کند، طبق قانون وظیفه دارد تعقیب و تحقیق و بازجویی را از متهم به‌عمل آورد و چنانچه اعتقاد به مجرمیت وی داشته باشد، موضوع را به دادگاه صالح جزایی ارجاع دهد تا طبق قوانین به آن رسیدگی شود. بنابراین، اعطای مقام «دادستان» به شورای رقابت به معنای انحصار این مقام در او برای پیگیری جرائم رقابتی نیست، بلکه صرفاً به‌منظور تسریع در رسیدگی بوده است و دادستان عمومی و انقلاب همچنان وظایف و اختیارات خود را دارا می‌باشد.

نکته سوم و قابل توجه این است که به‌موجب ماده ۶۷ پیش‌گفته، شورای رقابت می‌تواند در کلیه جرائم موضوع قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه به‌عنوان شاکی از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضای رسیدگی به جنبه عمومی جرم نماید. به‌نظر می‌رسد این ماده تا حدودی با ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار در تعارض است. در واقع، با توجه به بند الف ماده ۲۱ قانون اصلاح که قانون‌گذار در قسمت انتهایی آن رعایت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب اول آذر ۱۳۸۴ را برای عرضه عمومی سهام الزامی دانسته است، باید گفت این الزام ناظر به مواد ۲۰، ۲۲، ۲۳ و بند ۴ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار می‌باشد که به‌موجب آنها عرضه عمومی اوراق بهادار (سهام) منحصراً پس از اخذ تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار و صدور مجوز این سازمان برای انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی ممکن بوده، چنانچه این مقررات رعایت نگردد، جرم موضوع بند ۴ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار به‌وقوع پیوسته است. بنابراین، طبق ماده ۵۲ همین قانون، سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است موضوع را به‌عنوان شاکی در مراجع قضایی تا صدور اجرای قطعی پیگیری کند. از سوی دیگر، با توجه به الزام مندرج در بند الف ماده ۲۱ قانون اصلاح... باید گفت وقوع جرم یادشده به معنای تخلف از این مقرر قانونی بوده است و به دلیل وصف «مجرمانه» بودن آن، طبق ماده ۶۷ قانون اصلاح... شورای رقابت می‌تواند موضوع را به‌عنوان شاکی در دادگاه صلاحیت‌دار مطرح و تقاضای رسیدگی کند.

این تعارض باید به‌گونه‌ای حل شود. آیا با تصویب ماده ۶۷ تغییری در میزان یا کیفیت صلاحیت سازمان بورس و اوراق بهادار رخ داده است؟ به عبارت دیگر، آیا همچنان سازمان

یادشده می‌تواند نسبت به وقوع جرم موضوع بند ۴ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار ادله و مدارک مثبت جمع‌آوری و در مرجع قضایی طرح شکایت کند؟ حقیقت این است که تعارض یادشده یک تعارض ظاهری است و به نظر نمی‌رسد که صلاحیت سازمان بورس تغییری کرده باشد. زیرا ماده ۶۷ صحبت از جرائم موضوع قانون اصلاح... کرده و شاید بتوان گفت منظور قانون‌گذار جرائمی بوده است که به صراحت در همین قانون با ذکر میزان مجازات مشخص شده‌اند؛ به خصوص که این جرائم عموماً مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی هستند و لذا اعطای مقام «شاکی» به شورای رقابت برای پیگیری آنها در دادگاه صالح مطابق با انتظار است؛ در حالی که بند الف ماده ۲۱ این قانون صرفاً به رعایت مقررات قانون بازار اوراق بهادار در خصوص عرضه عمومی اوراق بهادار اشاره کرده و راجع به ضمانت اجرای این الزام حکمی نداده است. طبیعی است در این صورت باید همان ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار را ضمانت اجرای آن دانست، زیرا قانون‌گذار پیش‌تر مقررات راجع به عرضه عمومی اوراق بهادار و ضمانت اجرای آن را در آن قانون بیان کرده و در بند الف ماده ۲۱ قانون اصلاح نیز دوباره آن را یادآوری نموده است. بنابراین، نمی‌توان گفت قانون‌گذار در این مقرر قانونی به وضع جرم تازه‌ای دست زده است. وانگهی، عرضه عمومی اوراق بهادار هیچ ارتباطی با رویه‌های ضد رقابتی ندارد تا آن را در صلاحیت شورای رقابت بدانیم.

نتیجه

جرم‌انگاری یکی از تکنیک‌های حقوق کیفری برای برخورد با رفتارهایی است که به ارزش‌های اساسی یک جامعه آسیب می‌زنند. قانون‌گذار هر کشور در قلمرو جرم‌انگاری باید دو مسئله را مورد توجه قرار دهد: اول اینکه ارزش مورد حمایت قانون‌گذار از چه درجه اهمیت برخوردار است؟ و دوم، حمایت از یک ارزش نباید به گونه‌ای باشد که باعث آسیب دیدن ارزش‌های مهم‌تر گردد. در قلمرو حقوق فعالیت‌های اقتصادی که یکی از عرصه‌های جدید نظریه‌پردازی در دنیای کنونی می‌باشد نیز قانون‌گذار هم‌زمان با دو دغدغه روبروست؛ از یک سو، حمایت از سرمایه‌گذاری نیازمند آن است که قوانین دست‌وپاگیر و جرم‌انگاری‌های غیرضروری به کلی از نظام حقوقی برچیده شود تا در پرتو آن سرمایه‌گذاران با میل و رغبت بیشتری وارد میدان سرمایه‌گذاری گردند.

از سوی دیگر، حمایت از همین سرمایه‌گذاران مستلزم آن است که برخی از رفتارهای زیان‌زننده و مغایر رقابت سالم در عرصه فعالیت‌های اقتصادی جرم‌انگاری شده، به قید ضمانت اجرای کیفری ممنوع گردند. بدیهی است توازن بین این دو آرمان امر خطیری است که نیازمند دقت نظر قانون‌گذار و استفاده از نظر کارشناسان می‌باشد. در این مقاله سعی کرده‌ایم بایسته‌های جرم‌انگاری در این عرصه بررسی شوند. این قسمت، مکمل بایسته‌هایی است که قانون‌گذار برای حمایت از سرمایه‌گذاری باید مورد توجه قرار دهد و ما آنها را در مقاله دیگری واکاوی خواهیم کرد.

در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران به برجسته نمودن مهم‌ترین رفتارهای مجرمانه که آسیب‌های آنها به فعالیت‌های اقتصادی بسیار زیاد است پرداخته، در خصوص سایر جرائم، قضات را به مقررات عمومی ارجاع دهد. در این صورت، می‌توان امیدوار بود که ضمن پاسداری از حریم سرمایه‌گذاران به نوعی فضای سرمایه‌گذاری هم همچنان حفظ شده، افراد بیم گرفتار شدن در یک نظام حقوقی بیرحمانه را نداشته باشند. برای مثال، قانون‌گذار ایران می‌تواند تعقیب و مجازات مرتکبان جرائمی مثل ارتشا، اختلاس، سوءاستفاده از امکانات عمومی، خیانت در امانت، صدور چک بی‌محل و... را- هرگاه این جرائم در حوزه فعالیت‌های اقتصادی رخ داده باشند- تشدید نموده، در خصوص سایر جرائم از مقررات عمومی استفاده کند. در این صورت هم جرم‌انگاری و هم جرم‌زدایی از حقوق فعالیت‌های اقتصادی آثار مثبتی به‌همراه خواهد داشت.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. جعفری، مجتبی (تابستان ۱۳۸۶)، *مطالعه تطبیقی جرایم بورس اوراق بهادار در حقوق جزای ایران و فرانسه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمد علی مهدوی ثابت، دانشگاه امام صادق (ع).
۲. جعفری، مجتبی (تابستان ۱۳۹۵)، *کیفرزدایی از جرایم کسب و کار*، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، ش ۹۴، ص ۹۵-۱۱۹.
۳. قماش، سعید (زمستان ۱۳۹۰)، *کرامت انسانی مقتضی گسترش جرم‌انگاری*، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۶: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چ بیست و هفتم، تهران: نشر میزان.
۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (مرداد ۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی*؛ در: *مباحثی در علوم جنایی*، ویراست ششم.
۷. والاس، ربکا (۱۳۸۲)، *حقوق بین الملل*، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۸. هارت، هربرت (۱۳۸۸)، *آزادی، اخلاق، قانون؛ درآمدی بر فلسفه حقوق کیفری و عمومی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: طرح نو.

ب) فرانسه

9. Coulon, Jean- Marie, *La dépenalisation de la vie des affaires, Rapport au garde des Sceaux*, Ministre de la justice, Janvier 2008.
10. Jeandier, Wilfrid, *Droit pénal des affaires*, Dalloz, 2005.